

کتابخانهٔ شخصی مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

سابقه ترجمه در ایران به پیش از اسلام می رسد و گرچه از آن ترجمه ها – در حوزه های مختلف – مستندات قابل توجهی در دست نیست اما گزارش های تاریخی به ما می گوید که یکی از عوامل پیشرفت های پزشکی، اقتصادی و شهرسازی در آن دوران، تبادل فرهنگی حاصل از ترجمه بوده است. در دوران اسلامی، در نیمه غربی و ایران، نقش بسیار سزنده‌ای را ایفا کرد و گرچه شکوفایی تمدن اسلامی با غروب تمدن غرب در قرون وسطی همراه بود اما تمدن شکوفا با ترجمه آثاری که در دوران شکوفایی تمدن غرب نوشته شده بود در حوزه هایی همچون فلسفه، ریاضیات، هندسه و… در واقع از دستاوردهای بشری بسیار آموخت و به کار بست. در ایران هنوز می توان به بعضی از مظاهر معماری بیژان در دوران مغول اشاره کرد که نشان دهنده تقسیم از طریق مترجمان، فکر اصلی اش به معماران ایرانی منتقل شده است.اما آنچه که اکنون به عنوان ترجمه و رویکرد مترجمان ایرانی می شناسیم محصول «نهضت ترجمه» در دوران قاجار است که «ترجمه» را از موقعیت واقعی اش درچنان آن روز، چنان در ایران بالاتر برد که توقع مردم از مترجمان در حد فیلسوفان و آرمانخواهان اجتماعی و مهندسان آینده ایران شد؛ توقعی که بر شانه های مترجمان بسیار سنگین بود اما توان انکار انتظار مردم را نیز

مترجمان ایرانی

[بزدان سلحشور]

■ **دوره ای که شما وارد حوزه ترجمه شدید، کمتر کسی شهامت آن را داشت که با دانستن زبان دوم، وارد این حوزه شود به دو دلیل، اول این که ترجمه هم محتاج دانستن واحاطه کامل بر زبان مبدأ و زبان مقصد بود و دوم این که مترجم باید بر ادبیات هر دو زبان مسلط می بود.** کاری به وضعیت سال های اخیر ترجمه ندارم که تقریباً هر دانشجوی ترم اول زبان انگلیسی این شهامت را پیدا کرده که دست به ترجمه کارهای (الویت) بزند. در آن دوره شما علاوه بر این دو شرط، باید بر زبان و ادبیات کودک و نوجوان هم در هر دو زبان تسلط می داشتید. چطور شد که وارد کار ترجمه و این حوزه تخصصی – کودک و نوجوان– شدید؟

این برمی گردد به خیلی قبل؛ یعنی اشتیاقی که داشتم به خواندن کتاب. کلاس پنجم که بودم شبی ده شاهی می دادم و کتاب های قسطور ترجمه شده را از کتابفروشی محله اجاره می کردم. آن موقع کتاب کودک و نوجوان نبود اما غیر از این نوع کتاب ها، همه نوع کتابی در این کتابفروشی بود. بعضی شان ترساک بود که شب از ترس خوابم نمی برد! بعضی شان پلیسی بود. کلاس هشتم که بودم سعی می کردم داستان بنویسم با الهام از همان کتاب ها و کارها را می دادم همکلاسی هایم بخوانند. بعد از دبیرستان، در دانشگاه رشته زبان و ادبیات انگلیسی را انتخاب کردم. در حین تحصیل سعی می کردم مطالعات خارج از حوزه درس های دانشگاهی هم داشته باشم. از همان اول هم علاقه چندانی به تدریس زبان نداشتم گرچه جسته، گریخته در مقطعی تدریس هم کردم. علاقه داشتم در همه حوزه ها، از زبان انگلیسی بهره ببرم و در بعضی از حوزه های علمی، مجبور می شدم که منابع فارسی موجود را بخوانم تا در انگلیسی بهتر بتوانم متن را بفهمم. در نتیجه گستره دانشم را مرتب اضافه کردم با پشتکار. به همین دلیل هم خودم را دوست دارم! در فارسی «خودخواه» به دو معنی است اول «مغرور» دوم «کسی که خودش را دوست دارد» کسی که خودش را دوست نداشته باشد یعنی برای خودش احترام قائل نباشد برای دیگران هم احترام قائل نیست. من به سختی این مسیر را طی کردم و زمانی که خواستم این حرفه را شروع کنم مثل جوان های امروز نمی خواستم بلندپروازی کنم. نمی خواستم تا سیاه مشق نکرده ام سریع چند برگ متن ترجمه شده را زیر بغل بزنم و بروم این انتشاراتی یا آن انتشاراتی. کار اصلی ام را در واقع در مجلات رشد شروع کردم از همان آغاز انتشار این مجلات. در واقع یکی از کسانی بودم که باعث شدند این مجلات شکل بگیرند. اول قرار بود مجله ای به نام «شکوفه توحید» منتشر شود که بعد نام «رشد» انتخاب شد. توی کیهان بچه ها هم کار کردم. کیهان بچه ها مثل بچه ام می ماند…

همان زمانی که آقای امیر فردی سردبیری اش را شروع کرد با شروع سردبیری ایشان، من به کیهان بچه ها مطلب دادم…

■ **قبلش همکاری نداشتید؟**

نه! نداشتیم. کسانی که در تهران هستند برایشان به نشریات مطلب دادن راحت تر است. وقتی که در ارومیه بودم خوب یا آن مسافت و آن امکانات همان زمان ارتباط با نشریات برایم مشکل بود.

■ **قبل از این که وارد حوزه کودک و نوجوان شوید با آثاری که پیش از انقلاب در کانون ترجمه شده بود آشنایی نداشتید؟**

بله خوانده بودم. منتها کتاب هایی که کانون تا سال ۵۰ منتشر کرد خیلی کم بود و عملاً کانون در آن سال ها بیشتر جنبه فیسوالی داشت. از سال ۵۰ تا ۵۵ تا ۵۸ سال که رمان هایی مثل رمان های جان کریستوفر منتشر شدند…

■ **از آن زبان، تأثیر نگرفتید؟**

زمانی آدم می تواند از تأثیر «زبان» و «لحن» کتابی – چه ترجمه چه تالیف – بر کارش حرف بزند که خودش انواع زبان ها را شناخته باشد. آن موقع برایم تنها کتاب خواندن مهم بود و حالا بعد از گذشت این همه سال، نمی توانم بگویم که تأثیر گرفته ام به آن. اصلاً قبل از این که وارد ادبیات کودک و نوجوان شوم اول با ادبیات بزرگسال آشنا شدم…

■ **چقدر با فاکتر آشنایی داشتید؟**

می شود گفت ۵۰ درصد.

■ **در زبان «مبدأ» آشنایی داشتید؟**

وقتی که ازورنیال کتاب های فاکتر را خواندم برایم خیلی سخت بود چون ادبیاتش خیلی مشکل بود و راحت جلومی رنتم. حالا که به ادبیات جدی انگلیسی اشاره کردید باید بگویم که از همان آغاز، به داستان های کوتاه خیلی علاقه داشتم و شاید به همین دلیل در کارنامه کاری ای حدود ۸۰ – ۷۰ داستان کوتاه ترجمه شده را می توانید ببینید، از تولستوی، کالاکای، کادلوف، آ. هنری و مجموعه داستان «اسیر» از لوتیچ.

■ **از انگلیسی ترجمه کردید؟**

بله! گرچه فرانسه زبان دومم است و در حد کتاب کودک می توانم با متن مواجه شوم اما در حد کتاب بزرگسال می توانم از فرانسه ترجمه کنم.

■ **آثار همینگوی جزو واحد های درسی تان بود؟**

تقریباً در همه مسیری که می رفتمیم به یکی از این کتاب ها می رسیدیم که باید در دانشگاه، سر کلاس درباره شان صحبت می کردم. همینگوی فقط نبود خیلی غول بود. جورج اورول هم بود. مثلاً با قلمه خوانده ام یا مزرعه حیوانات اش. اینها تکلیف درسی بودند تا واحد درسی. البته از همان آغاز، من مخصوصاً در حوزه ادبیات کودک کتق علاقه بیشتر به شرق بود یعنی همان موقع که وفرانکلین، جک گولب که متنش می می در بارز کتاب ایران ملو شده بود از افسانه پریان غربی. همان موقع فکر می کردم که ما با کشورهای خاورمیانه و خاور دور، نسبت های فرهنگی بیشتری داریم تا با آثاری که به آنها اشاره کردیم.

■ **از انگلیسی ترجمه کردید؟**

بله! گرچه فرانسه زبان دومم است و در حد کتاب کودک می توانم با متن مواجه شوم اما در حد کتاب بزرگسال می توانم از فرانسه ترجمه کنم.

■ **آثار همینگوی جزو واحد های درسی تان بود؟**

تقریباً در همه مسیری که می رفتمیم به یکی از این کتاب ها می رسیدیم که باید در دانشگاه، سر کلاس درباره شان صحبت می کردم. همینگوی فقط نبود خیلی غول بود. جورج اورول هم بود. مثلاً با قلمه خوانده ام یا مزرعه حیوانات اش. اینها تکلیف درسی بودند تا واحد درسی. البته از همان آغاز، من مخصوصاً در حوزه ادبیات کودک کتق علاقه بیشتر به شرق بود یعنی همان موقع که وفرانکلین، جک گولب که متنش می می در بارز کتاب ایران ملو شده بود از افسانه پریان غربی. همان موقع فکر می کردم که ما با کشورهای خاورمیانه و خاور دور، نسبت های فرهنگی بیشتری داریم تا با آثاری که به آنها اشاره کردیم.

■ **از انگلیسی ترجمه کردید؟**

بله! گرچه فرانسه زبان دومم است و در حد کتاب کودک می توانم با متن مواجه شوم اما در حد کتاب بزرگسال می توانم از فرانسه ترجمه کنم.

■ **آثار همینگوی جزو واحد های درسی تان بود؟**

تقریباً در همه مسیری که می رفتمیم به یکی از این کتاب ها می رسیدیم که باید در دانشگاه، سر کلاس درباره شان صحبت می کردم. همینگوی فقط نبود خیلی غول بود. جورج اورول هم بود. مثلاً با قلمه خوانده ام یا مزرعه حیوانات اش. اینها تکلیف درسی بودند تا واحد درسی. البته از همان آغاز، من مخصوصاً در حوزه ادبیات کودک کتق علاقه بیشتر به شرق بود یعنی همان موقع که وفرانکلین، جک گولب که متنش می می در بارز کتاب ایران ملو شده بود از افسانه پریان غربی. همان موقع فکر می کردم که ما با کشورهای خاورمیانه و خاور دور، نسبت های فرهنگی بیشتری داریم تا با آثاری که به آنها اشاره کردیم.

■ **از انگلیسی ترجمه کردید؟**

بله! گرچه فرانسه زبان دومم است و در حد کتاب کودک می توانم با متن مواجه شوم اما در حد کتاب بزرگسال می توانم از فرانسه ترجمه کنم.

■ **آثار همینگوی جزو واحد های درسی تان بود؟**

تقریباً در همه مسیری که می رفتمیم به یکی از این کتاب ها می رسیدیم که باید در دانشگاه، سر کلاس درباره شان صحبت می کردم. همینگوی فقط نبود خیلی غول بود. جورج اورول هم بود. مثلاً با قلمه خوانده ام یا مزرعه حیوانات اش. اینها تکلیف درسی بودند تا واحد درسی. البته از همان آغاز، من مخصوصاً در حوزه ادبیات کودک کتق علاقه بیشتر به شرق بود یعنی همان موقع که وفرانکلین، جک گولب که متنش می می در بارز کتاب ایران ملو شده بود از افسانه پریان غربی. همان موقع فکر می کردم که ما با کشورهای خاورمیانه و خاور دور، نسبت های فرهنگی بیشتری داریم تا با آثاری که به آنها اشاره کردیم.

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

نداشتند. در مملکتی که یکی از افتخارات شاه قجرش تسلط بر زبان فرانسه بود و گهگاه – چون شعر سرودنش – ترجمه ای هم از قلمش صادر می شد که شاعر دربار شعری در مدح اش می سرود، نباید انتظار داشت که مردم از توقع خود از مترجمان دست بردارند. این توقع در مشروطه نیز تداوم یافت و بیشتر شد. در دوران پهلوی نخست، بیشتر معطوف حوزه های علوم تجربی و ریاضیات و کلاً علوم کاربردی در چارچوب مدرنیسم بود و در دوران بعد، حوزه اختیاراتش با حوزه تمایلاتش تطابق بیشتری یافت.

پس از انقلاب اسلامی ۵۷، هم گستره موضوعات و حوزه هایی که مترجمان به سراغ شان رفتند گسترش یافت و هم با توسعه دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی، نیاز به مترجمان بیشتر احساس شد. ترجمه های ادبی که محور اصلی پرورنده «روند ترجمه ادبی در ایران» هستند در نیم قرن اخیر، تحولات بسیاری را پشت سر گذاشته اند و اکنون مترجمانی در ایران قلم می زنند که آثار درخشان را با ترجمه ای در حد «بازآفرینی» در زبان فارسی ارائه می دهند. در ارائه این پرورنده سعی شده که تا حد مقدورات، هم به سؤالات احتمالی و هم به شناخت مخاطبان از حوزه ترجمه پاسخی شایسته داده شود.

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶

مترجمان ایرانی در تهران، ۱۳۸۶